



نسخه برگردان «شاهنامه داوری»

مجالس شاهنامه (به خامه هنرمندان شیرازی، محمد داوری و آقا لطفعلی صورتگر)، به کوشش کوروش کمالی سروستانی. - شیراز: بنیاد فارس شناسی، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها، با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور و موزه رضا عباسی ۱۳۸۲، بدون صفحه شمار. شابک: (ندارد).

شریحی به بحر تقارب مشتمل بر زحمت خود و عظمت مقام فردوسی و مدح ایلخانی بر آن بیفزود و ایلخان هفتصد تومان پول نقد و دو طاقه شال کشمیری ممتاز و دو اسب خوب به او نیاز کرد.^۱ هر چند تاریخ دقیق خواستار شدن ایلخانی دانسته نیست، ظاهر این است که در

اواخر سال ۱۲۷۷ق محمدقلی خان قشقایی کتابی را خریدار می شود که بخش بزرگ نقاشی های آن به انجام نرسیده بوده است. این تاریخ احتمالی به دلایل و قراین زیر به یقین نزدیک می شود:

۱. از مجموع ۶۷ مجلس نقاشی مینیاتور شاهنامه داوری ۵ مجلس تاریخ ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۳ق دارد و مابقی آنچه تاریخ دار است از ۱۲۷۸ آغاز و در ۱۲۸۰ق تمام می شود. این بدین معنی است که نقاشی ها در دو دوره متمایز و با فاصله زمانی پنج ساله نگارگری شده است. چون مجالس دوره اول جز یکی، که اثر آقا لطفعلی صورتگر شیرازی است (به سال ۱۲۷۳ق)، کار داوری و برادر کوچکتر او فرهنگ است^۲ و دیگر نقاشی های آقا لطفعلی مورخ ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ق است، می توان گمان برد که تکمیل نقاشی و تذهیب کتاب از ۱۲۷۸ق و با مجلسی آغاز می شود که صورتگر شیرازی «در کودیان جنت مکان» ساخته است.^۳
۲. نوشته داوری در مقدمه دیوانش دلالت بر آن دارد که پس از آنکه ایلخانی خواستار کتاب می شود زمان کوچ تابستانی ایل قشقایی بوده و چون داوری حاضر به سفر نبوده، محمدقلی خان که اشتیاق تمام به تکمیل مصورسازی و تذهیب کتاب داشته آقا لطفعلی و میرزا آقای نقاش

اما داوری خوشنویس و نقاش، که ظاهراً پیش از به انتها رسانیدن کار مصورسازی شاهنامه خود به انتهای توان مالی خود رسیده بود، آن را بر دست گرفت و نزد بزرگان و ثروتمندان شیراز برد، ولی کسی خواستار آن نشد و کتاب روی دستش ماند. اما غم انگیزتر و از جهتی - که خواهیم گفت - شرم آورتر از تنگدستی و بی پشت و پناهی یک هنرمند، بی اعتنایی بزرگان فارسی زبان است به کتابی که زبان فارسی و حماسه های ملی ایران را زندگی جاویدان بخشیده است، و حمایت مالی و خواستاری بیدریغ کسی که نه تاریخ ایران باستان جزو تاریخ قوم اوست و نه ادیب و هنرشناس است و نه حتی فارسی زبان!

ماجرای به سامان آوردن شاهنامه داوری به همت رئیس ایل ترک زبان قشقایی، به روایت سیداحمد دیوان بیگی شیرازی بدین قرار بوده است:

کتاب شاهنامه تمام کرده و تذهیب و نقاشی و جلد او کار خودش بود و کمال امتیاز را داشت. قریب پنج سال زحمت کشید و در آن مدت اجزاء و اوراق او به نظر غالب بزرگان رسید و کسی به بهای زیاد طالب آن نشد. آخر الامر محمدقلی خان قشقایی ایلخانی فارس طالب شد و او کتاب را تمام کرده و

شاهنامه مشهور به «داوری» آخرین نسخه خطی مصور ماندگار است که مکتب پرونیق چندین قرن سنت کتاب آرایبی ایرانی با آن به پایان می رسد. این واپسین اثر عصر هنر و فرهنگ مصورسازی نسخه های خطی پایان عصر فرهنگ حمایت هنرمندان توسط شاهان و شاهزادگان و اعیان و اشراف نیز هست. یک سال پیش از آنکه محمد داوری، سومین فرزند وصال شیرازی، در سال ۱۲۷۰ق استنساخ و کتابت و نقاشی و تذهیب شاهنامه را به تنهایی آغاز کند، استاد محمدحسین طهرانی خوشنویسی دوره شش جلدی کتاب هزار و یک شب را، که به فرمان ناصرالدین شاه قاجار در ۱۲۶۶ق آغاز کرده بود، به پایان آورد و آن را به گروه ۴۵ نفره نقاشان و تذهیب کاران و جلدسازانی سپرد که به هزینه شاه جوان قاجار در مجمع الصنایع ناصری گرد آمده بودند. این گروه هنرمند به مباشرت حسینعلی خان معیرالممالک، رجل هنردوست و کتاب شناس، و سرپرستی میرزا ابوالحسن خان غفاری نقاش باشی (صنیع الملک بعدی) پس از هفت سال کار، یگانه نسخه خطی فارسی الف لیلة و لیلة را با ۱۱۳۴ نقاشی آبرنگ مذهب و مرصع، مشتمل بر ۳۶۰۰ مجلس، در سال ۱۲۷۶ هجری به انجام رساندند.

^۱ دیوان بیگی شیرازی، حدیقة الشعرا، تصحیح عبدالحسین نوائی (تهران: ۱۳۶۴)، ۱: ۶۰۴.

^۲ با آنکه رقم نقاشی فرهنگ واضح و خوانا است («صانع فرهنگ ابن الوصال ۱۲۷۲»)، هم استاد آغداشلو و هم آقای کورش کمالی انتساب این اثر را محل احتمال دانسته اند، بدین شرح: «... دوازده نقاشی کار محمد داوری و یک نقاشی احتمالاً کار برادر داوری فرهنگ است.» (آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، گردآوری و تصویر جاسم غضبانبور، متن آیدین آغداشلو، تهران: ۱۳۷۶، ص ۴۳)؛ «... برخی معتقدند که مجلس یازدهم در ص ۲۱۸ اصل اثر که رقم «صانع ابن الوصال ۱۲۷۲» خورده است به دلیل این که امضای مشابه با سایر صحنه های اثر داوری ندارد متعلق به فرهنگ... برادر داوری است.» (مجالس شاهنامه، ص ۲ مقدمه).

^۳ این که در برخی نوشته ها «کردیان» خوانده شده و به حدود العالم استناد شده که آن را «ناحیه ای در پارس» آورده، درست نیست (نک: آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، ص ۲۱ و پانوش ۲۹). کودیان یکی از قریه های آباد و بیلاقی بلوک کوه مره شگفت است «از سردسیرات فارس، میانه مغرب و جنوب شیراز... تمام این بلوک در کوهستان برف نشین افتاده است.» (فارسنامه ناصری، چاپ سنگی، ۲: ۲۸۰ - ۲۸۱). کردیان حدود العالم هم از شهرک های پسا (فسا) است و از سردسیرات فارس نیست (حدود العالم، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری، ۱۳۶۲، ص ۱۳۵).



و میرزا یوسف مذهب‌باشی را به همراه خود به بیلاق کودیان می‌برد. از آنجا که اولین ماه (محرم) ۱۲۷۸ ق مقرر با نیمه دوم خرداد و نیمه اول تیرماه بوده، یقین است که لطفعلی خان نخستین کار خود برای ایلخانی را در همان زمان به اتمام رسانده است.^۴ از جانب دیگر، با توجه به اینکه دو نقاشی دیگر لطفعلی خان که در کودیان ساخته شده یکی مورخ صفر ۱۲۷۹ ق (مرداد ماه) و دیگری مورخ سنه ۱۲۷۹ ق است، شک نباید کرد که آقا لطفعلی و دیگر هنرمندان حداقل در دو سفر بیلاقی ایلخانی را همراهی می‌کرده‌اند. قاعدتاً در گرمسیر هم این جماعت هنرور همراه ایلخانی بوده‌اند تا بتوانند در سال ۱۲۸۰ ق (که سه مجلس بدین تاریخ است) کار را به اتمام رسانند.

۳. البته نمی‌توان دریافت که ۸ مجلس بدون رقم آقا لطفعلی در چه زمانی نگارگری شده و آیا در بیلاق و قشلاق ایلخانی بوده یا پیش از آن که شاهنامه داوری به ایلخانی برسد به انجام رسیده بوده است.

به هر تقدیر، سرکرده روشن ضمیر ایل قشقایی - ایل ترک زبان کوچرو بیابانگردی که از چند قرن پیش در فارس ماندگار شده - خلاء فرهنگی طبقه حاکم اواخر دوران قاجار را با هوشمندی و گشاده‌دستی پر کرد. به سخن خود داوری: یکی کز همه نامبردارتر

زهرکس به هر کار هشیارتر
شد این رایگان گنج را خواستار

به نام وی این نامه شد نامدار
ایلخان هنرشناس تا بدانجا در تکریم
شاهنامه داوری پیش رفت که دستور داد
برای محفوظ ماندن این اثر هنری نفیس
جعبه و جلدی نفیس از چین بیاورند.

ظاهر این است که این جعبه مخصوص پس از مدتی از میان می‌رود و در اواخر دهه ۱۳۴۰ش که زنده یاد دکتر نورانی وصال، از نوادگان محمد شفیع وصال شیرازی، شاهنامه داوری را از ورثه محمدقلی خان قشقایی خریداری می‌کند جعبه ساخت چین را نداشته است.^۵

ویژگی‌های شاهنامه داوری

شاهنامه داوری در ۱۲۳۲ صفحه، در قطع رحلی بزرگ (۲۸/۳×۴۲/۴ س.م) و به نستعلیق مُجَدول، در چهار جلد کتابت شده که دو صفحه آغاز هر جلد دارای سرلوح‌ها و حاشیه‌های پهن تمام مذهب و مرصع عالی و طلالندازی بین‌السطور است. داوری از حدود ۱۲۶۹ ق کار کتابت را آغاز می‌کند و ضمن خوشنویسی، نقاشی‌های مینیاتور مانند پرکار و بسیار خوش آب و رنگ در جای جای کتاب می‌آورد و بخشی از عنوان داستان‌ها را تذهیب و ترصیع می‌کند. بر روی هم ۶۷ مجلس مینیاتور در کتاب هست که از ۱۱ مجلس به رقم داوری سه تا تاریخ دارد (۱۲۷۰ هجری) و یکی کار برادر او فرهنگ است به تاریخ ۱۲۷۲.

پنجاه و پنج نقاشی کار آقا لطفعلی صورتگر شیرازی است (یکی به تاریخ ۱۲۷۳ و مابقی از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ ق) همه رقم‌دار جز هشت تا که یکی از آنها به احتمال قوی کار مشترک داوری و آقا لطفعلی است.^۶ امضاهای داوری متنوع است: یک مجلس «داوری»، سه مجلس «صانع داوری»، دو مجلس «داوری ابن وصال» و بقیه «کاتبه صانع داوری» که بر یکی از این گروه‌ها «ابن وصال» هم افزوده شده است. رقم و امضا و سجع نگاری لطفعلی خان

هم بسیار متنوع است که کوتاه‌تر از همه «کمترین لطفعلی» و بلندترین «راقمه‌العبدالله اقل لطفعلی» است، اغلب هم همراه با «شیرازی» یا «الشیرازی». دورقم مسجع او نیز موزون است: «بنده کمترین لطفعلی است» و «کمترین بندگان لطفعلی است».

تذهیب و ترصیع و جدول‌کشی عمدتاً اثر میرزا آقا و میرزا یوسف مذهب‌باشی است. جلد چرمین کتاب سوخت ضریبی به ابعاد ۲۸/۵×۴۲/۵ س.م است به نقش لچک - ترنج با حاشیه تزئینی بالا و پایین سرترنجها روی چرم قرمزفام.^۷

از حیث سبک نقاشی، تفاوت سبک داوری و آقا لطفعلی نمایان است. کار داوری از حیث مجلس‌پردازی به عصر درخشان مینیاتورهای ایرانی نزدیکتر است. حتی دو مجلس بزرگ و پرکار او به مجلس‌های شکوهمند مینیاتورهای سده‌های نهم و دهم هجری پهلوی می‌زند. در مقام مقایسه، داوری چهره‌پرداز چیره‌دست‌تری است. تفاوت حالات صورت‌ها را در صحنه‌های متفاوت زنده‌تر و بهتر از لطفعلی خان صورتگر نشان می‌دهد. در نقاشی‌های آقا لطفعلی آنکه شمشیر می‌زند و آنکه شمشیر می‌خورد هر دو چهره‌های بی‌حرکت و یکسان دارند. حتی آنجا که مردمان دو نژاد متفاوت با هم روبرو می‌شوند همگی صورت‌ها همانند است. در صحنه دیدار بهرام‌گور با شنگل شاه و دیگر شاهان و امیران هند، ایرانیان و هندیان همه شبیه همدیگرند؛ بهرام و شنگل همچون دوقلوهایی هستند که دست به دست هم داده و یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند، منتها با قیافه‌هایی که کمترین اثری از شادمانی در آنها نیست و چنان می‌نمایند که می‌خواهند با هم

^۴ کوچ قشقایی‌ها از گرمسیر به سردسیر به طور معمول از فروردین ماه آغاز می‌شود و تا اواخر تیرماه و گاه اوایل مردادماه در بیلاق می‌مانند.

^۵ تا جایی که می‌دانیم این کتاب در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ گویا به سه میلیون تومان به دفتر مخصوص فرح و آگدار می‌شود و ابتدا در موزه نگارستان و سپس در گنجینه نسخه‌های خطی موزه رضا عباسی جای می‌گیرد.

^۶ این مجلس که زیارت اسکندر است از جایگاهی که شبیه خانه‌کعبه ترسیم شده، از حیث سبک نقاشی نشان از قلم آقا لطفعلی دارد. اما عباراتی که روی زمینه سیاه‌رنگ زیارتگاه به چند قلم جلی و خفی ثلث و ریحان و کوفی با آب طلا نوشته شده (از جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» بسیار استوار و چشمگیر) قطعاً اثر خوشنویسی داوری است. شاید همین مجلس سبب گشته که نقاشی‌های داوری را که بیش از ۱۱ تا نیست ۱۲ تا به حساب آورند. (نک: مجالس شاهنامه، ص ۲؛ آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، ص ۴۳).

^۷ توصیف جلد و تزئینات آن و ویژگی‌های سرلوح و صفحات مذهب و مرصع به تفصیل در ص ۳ مقدمه مجالس شاهنامه آمده است.



و آراستگی است و از همه جهت سزاوار این آخرین اثر ماندگار سنت دیرینه مصورسازی نسخه‌های خطی. (قطع کتاب تقریباً یک سانتی متر از هر طرف بزرگ‌تر از ابعاد نسخه اصلی است. نقوش مطلای داخل جدول‌ها و قاب‌گیری صفحات نیز مطابق اصل نیست و به صورت یکنواخت و استاندارد «رتوش» شده که لازم بود در مقدمه متذکر می‌شدند).

در مقدمه خوشنویسی شده سرپرست بنیاد فارس‌شناسی چند لغزش به چشم می‌خورد که برخی ممکن است لغزش خوشنویسی باشد که معمولاً تصحیح آن به آسانی چاپ حروفی نیست. لغزش‌ها بدین شرح است:

ص ۱: پایان سرودن شاهنامه به جای ۳۸۴ ق «۲۸۴ هـ ق» نوشته شده است.

– «قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده شاهنامه متعلق به ۶۷۵ هـ ق است که اکنون در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود. اینک نسخه‌شناسان تقریباً به یقین رسیده‌اند که نسخه فلورانس (مورخ ۶۱۴ ق) قدیم‌ترین است.

ص ۲: شمار مجلس‌های شاهنامه داوری را ۶۷ نگاشته‌اند ولی در صفحه ۳ سرجمع نقاشی‌های هر چهار جلد، که به تفکیک آمده، ۶۸ است: (ج ۱/۲۱؛ ج ۲/۲۵؛ ج ۳/۱۶؛ ج ۴/۶).

– پس از نام «فرهنگ» (۱۲۸۰-۱۲۷۰ هـ ق) نوشته شده که معلوم نیست چه تاریخی است. ص ۳: نوشته‌اند که اولین نقاشی «به رقم لطفعلی بتاریخ ۱۲۷۹ هـ ق» است، حال آنکه اولین نقاشی او در کتیبه تاریخ ۱۲۷۳ دارد.

سیروس پرهام

۱۲۷۸ - ۱۲۸۰ ق که بدون ذکر نام محل است در سفرهای گرمسیری کار شده است. و چون بیشترین نقاشی‌های امضادار او از ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ ق است این فرض به یقین نزدیک‌تر است که پس از رسیدن شاهنامه داوری به محمدقلی خان قشقایی، آقا لطفعلی حدود سه سال برای او کار می‌کرده است.

کتاب مجالس شاهنامه

بنیاد فارس‌شناسی و ناشران همکار (مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور و موزه رضاعباسی) نخواستند که شاهنامه داوری را به تمامی به چاپ رسانند. همان‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید قصد اصلی به چاپ رساندن تمامی مجالس نقاشی شاهنامه داوری و صفحات تمام مرصع و مذهب هر چهار جلد و نمونه‌هایی از خوشنویسی بوده است.^۹ به همین ملاحظه، جز صفحات تذهیب و ترصیع شده، و روبروی هر صفحه متن شاهنامه صفحه‌ای را آورده‌اند که نقاشی داشته است. بدین قرار، آن طور نیست که مجالس نقاشی به همان ترتیب که در نسخه اصلی بوده با اشعار صفحه مقابل یا صفحه بعدی همخوان باشد. و چون نقاشی‌ها فاقد عنوان است نمی‌توان فهمید که نگارگر کدام داستان را مصور ساخته است. این نیز هست که کتاب شماره صفحه ندارد، و این اشکال دارد چون نمی‌توان به مجالس نقاشی مورد نظر یا مورد بحث ارجاع داد؛ صرف نظر از آنکه اگر اوراقی از کتاب جدا شود یافتن جای آنها و الصاق آنها سخت دشوار و کمابیش محال خواهد بود.

به هر تقدیر، لیتوگرافی و چاپ رنگی و کاغذ و تجلید کتاب در کمال نفاست

گلاویز شوند. نمونه نمایان‌تر، اسب‌هاست که به اسب‌های چوبی مانده‌اند. نیک پیداست که هنرمند چیره‌دست گل و بته‌ساز، به رغم توانایی در صحنه آرابی‌های پرکار و پر جنب و جوش و رنگ‌آمیزی پرنشاط، نتوانسته است ریزه‌کاری‌های شگرف نقاشی گل و مرغ را در مجالس شاهنامه چندان به کار آورد.

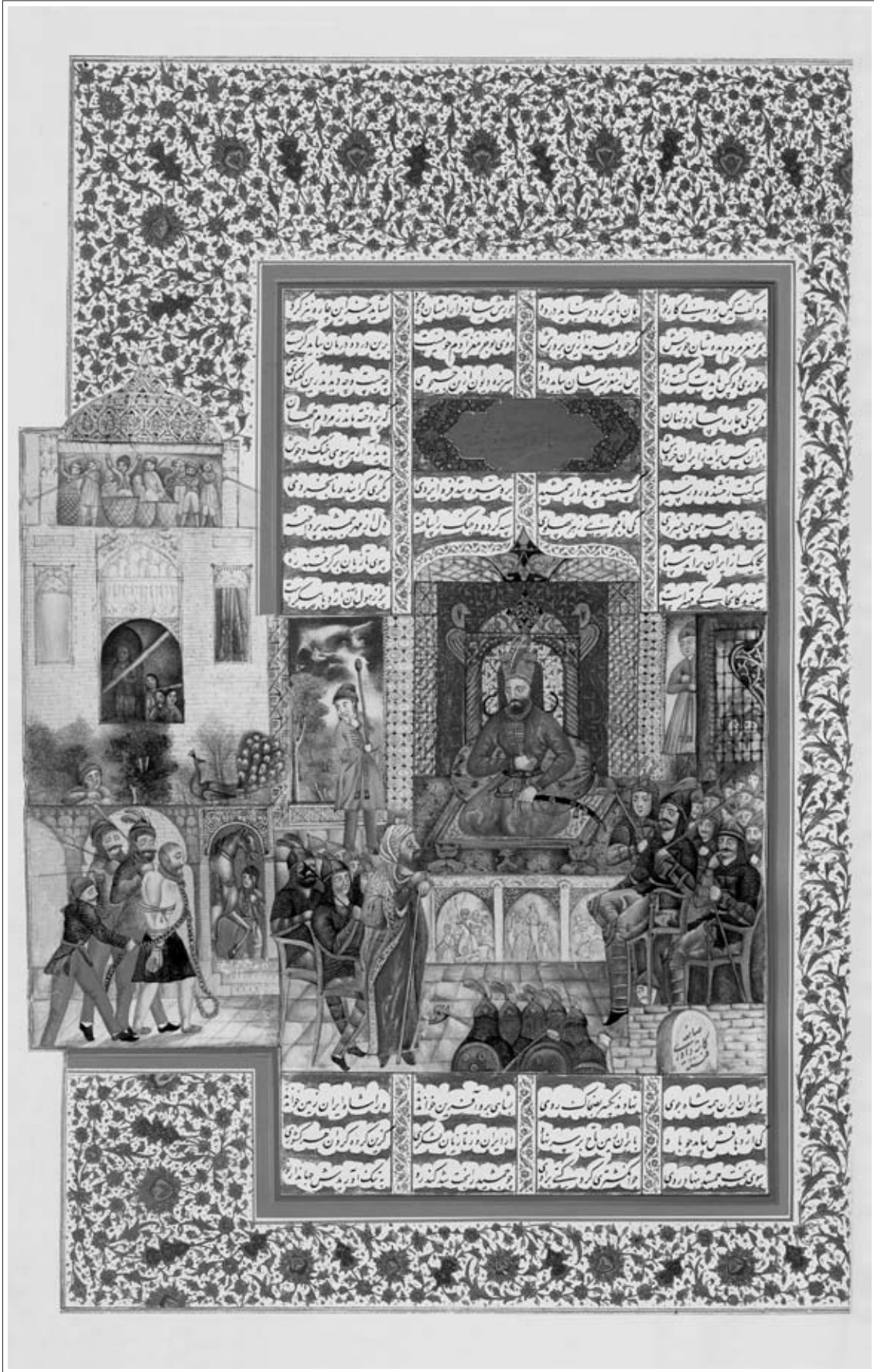
زمان همکاری صورتگر و داوری به درستی مشخص نیست. به استناد مجلس رقم‌دار «راقمه العبدالله اقل لطفعلی ۱۲۷۳» محقق است که همکاری این دو هنرمند دست کم یک سالی پیش از خاتمه کتابت شاهنامه (۱۲۷۴ ق) آغاز شده است، هر چند ممکن است برخی از کارهای بدون رقم آقا لطفعلی پیش از ۱۲۷۳ ق صورت پذیرفته باشد.

چون دومین مجلس تاریخ‌دار آقا لطفعلی ۱۲۷۸ ق («در کودیان جنت مکان ساخت ۱۲۷۸») و سومین «در کودیان صفر ۱۲۷۹» و آخرین «محرم ۱۲۸۰» است، می‌توان دریافت که وی حداقل دو سال (تابستان ۱۲۷۸ و تابستان ۱۲۷۹ ق) و به احتمالی سه سال (تابستان ۱۲۸۰ ق = محرم / خرداد و تیر) به همراه ایلخانی به بیلاق کودیان می‌رفته است. منتها، دانسته نیست که صورتگر شیرازی از ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۸ ق چه می‌کرده و کجا بوده است. (سفر بخارا که خانم نوشین دخت نفیسی سبب وقفه دانسته‌اند با استدلال‌های استاد آغداشلو منتفی است^۸ و سفر قفقاز و گرجستان و تهران او هم پیش از ۱۲۷۳ ق بوده است).

هر چند جز سردسیر کودیان در رقم آقا لطفعلی از جایی یاد نشده، احتمال توان داد که زمستان‌ها را هم به همراه ایلخان به قشلاق می‌رفته و برخی نقاشی‌های مورخ

^۸ نک: آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، ص ۱۵.

^۹ بیشترین مجالس نقاشی آقا لطفعلی در شاهنامه داوری پیش از این در کتاب آقا لطفعلی صورتگر شیرازی به چاپ رنگی رسیده بود، ولی نقاشی‌های داوری ظاهراً اول بار است که چاپ می‌شود.



برگی از «شاهنامه داوری» (نقل از: مجالس شاهنامه، شیراز: ۱۳۸۲).